

ژیلسون و رویکرد میان‌رشته‌ای به تاریخ فلسفه

سیدحمید طالب‌زاده*

مالک شجاعی جشقانی**

چکیده

«تاریخ‌نگاری فلسفه» مطالعاتی است مابین فلسفه و تاریخ. مورخان فلسفه ناگزیر از اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای هستند؛ اتین ژیلسون، فیلسوف و مورخ نوتومیست معاصر، سهم چشم‌گیری در بسط و تعمیق تاریخ‌نگاری فلسفه دینی به‌ویژه فلسفه مسیحی داشته است. مهم‌ترین اثر او در این باب *تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطی* است. اهمیت ژیلسون به‌ویژه از آن جهت است که آثار او از منابع مهم غرب‌شناسی فلسفی ایرانیان در کنار تاریخ فلسفه‌هایی چون ویل دورانت، فروغی (سیر حکمت)، راسل و کاپلستون بوده است و شاکله فهم ایرانیان از فلسفه‌های غربی را شکل داده است. وی در آثار متفاوت خود به مباحثی پیرامون مبانی روش‌شناختی روایت تاریخی از فلسفه پرداخته و کوشیده است تا با رویکرد فلسفی به تاریخ فلسفه و در نظر داشتن هم‌زمان سه مؤلفه محوری فلسفه، دین، و تاریخ پیش‌گام نوعی مطالعات میان‌رشته‌ای باشد. ژیلسون گرچه مدعی عینیت و بی‌طرفی در بازسازی تاریخ فلسفه است، اما چنان‌که نشان خواهیم داد نتوانسته است در تاریخ‌نگاری فلسفه، ذهن خود را از بند مفروضات تومیستی (فلسفه توماس آکوئیناس) و مفروضات تاریخ‌نگاری اروپامحور، که اوج آن فلسفه هگل است، رها کند.

کلیدواژه‌ها: ژیلسون، رویکرد میان‌رشته‌ای، تاریخ‌نگاری فلسفه، عینیت تاریخی.

* دانشیار فلسفه، دانشگاه تهران talebzade@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری فلسفه معاصر، دانشگاه تهران malekshojaei@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴